

خبرخوان

مصرف ماهانه ۲۳ میلیون سرم در کشور

ایستنا: سخنگوی سازمان غذا و دارو با اشاره به پرمصرف‌ترین دارو‌ها در کشور، درعین‌حال درباره «تجویزهای دست‌ودلبازانه» و «مصرف خودسرانه دارو» در کشور هشدار داد و گفت: «ماهانه حدود ۲۳ میلیون واحد سرم مصرف می‌شود و بیش از یک‌سوم نسخ سرپایی نیز حاوی آنتی‌بیوتیک است؛ آماری که نشان‌دهنده الگوی مصرف غیرمنطقی و البته نیازمند فرهنگ‌سازی و بازنگری فوری در پروتکل‌های درمانی است».
محمد هاشمی با اشاره به آخرین پایش‌های انجام‌شده بر نسخه‌های سرپایی، تاکید کرد: «براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، مصرف ماهانه سرم در کشور به حدود ۲۳ میلیون واحد می‌رسد و بیش از یک‌سوم نسخ سرپایی حاوی آنتی‌بیوتیک است که این اعداد نیازمند بازنگری در الگوی تجویز و مصرف است».
هاشمی افزود: «داروهای پرمصرف خوراکی شامل گروه‌های ماکرولیدها، سفالوسپورین‌ها و پنی‌سیلین‌ها بوده و در بخش تزریقی نیز سفازولین، پنی‌سیلین و ستفریاسکوم بیشترین سهم تجویز را دارند. البته بررسی‌ها نشان می‌دهد الگوی مصرف در استان‌های مختلف متفاوت است و در برخی مناطق میزان تجویز آنتی‌بیوتیک به ارقام بالاتری می‌رسد که ضرورت مداخلات هدفمند و فرهنگ‌سازی تخصصی را ایجاب می‌کند».
او ادامه داد: «درباره تأمین سرم، با توجه به محدودیت‌های پیش‌آمده در تأمین ماده اولیه از پتروشیمی‌ها، تمهیداتی اندیشیده شده تا تولیدکنندگان بتوانند از طریق واردات ماده اولیه پتروشیمی، نیاز خود را تأمین کرده و تولید را بدون وقفه ادامه دهند».
هاشمی با اشاره به نگرانی وزیر بهداشت درباره مصرف بی‌رویه سرم‌های تزریقی افزود: «با بازتعریف تعرفه‌های خدمات بالینی و ترویج الگوهای درمانی مبتنی بر نیاز واقعی، می‌توان از ظرفیت مصرف موجود در مسیر کاهش هزینه‌های غیرضروری و آزادسازی بودجه برای تقویت دسترسی به داروهای حیاتی بهره برد».
سخنگوی سازمان غذا و دارو در ادامه صحبت‌هایش با اشاره به الگوی مصرف دارو در جامعه نیز گفت: «بیشترین حجم مصرف غیرمنطقی و خودسرانه مربوط به گروه‌های آنتی‌بیوتیک‌ها، مسکن‌های ضدالتهابی و سرم‌های تزریقی است. متأسفانه مشاهده می‌شود تقاضا برای تجویز این اقلام در مواردی که ضرورت بالینی ندارند، همچنان وجود دارد که نیازمند اطلاع‌رسانی شفاف و فرهنگ‌سازی مستمر است.»

اقدام محبات‌حیوانات مودی تهران

ایستنا: مدیر اداره کنترل حیوانات شهری سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران، گفت: «اکیب‌های مقابله با موش‌ها و حیوانات مودی در همه نواحی شهر تهران فعال هستند و به صورت مستمر محل‌های کلونی موش‌ها با استفاده از روش‌های مشخص ضدعفونی می‌شوند».
حسین صادقی با اشاره به اقدامات شهرداری تهران در کنترل حیوانات مودی از جمله موش‌ها در سطح شهر تهران، افزود: «تقریباً ۴۰ سال است که با مسئله موش در سطح شهر مبارزه می‌کنیم؛ شهرداری تهران از دهه ۶۰مبارزه با حیوانات مودی از جمله موش را آغاز کرده و همواره درباره کنترل جمعیت موش‌ها و مقابله با آن اقدام کرده است».
او ادامه داد: «ما در این حوزه به‌ عنوان مجری عمل می‌کنیم و دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز در کنار ما حضور دارند؛ در تهران سه دانشگاه علوم پزشکی فعال هستند که در حوزه‌های بهداشتی یا ما همکاری می‌کنند. انستیتوی پاستور نیز در کنار ماست و تاکنون گزارشی مبنی بر آلودگی موش‌های تهران ارائه نکرده است».
مدیر اداره کنترل حیوانات شهری سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران با بیان اینکه اکیب‌های ما در همه نواحی فعال هستند و فعالیت خود را ادامه می‌دهند، گفت: «در این زمینه، اقدامات پیشگیرانه بسیار ساده‌ای باید انجام شود و مهم‌ترین مسئله این است که عوامل اجرایی ما استفاده از دستکش، لباس، ماسک و سایر موارد بهداشتی را رعایت کنند و به صورت مستمر در کین کار این موارد را مدنظر داشته باشند».
او ادامه داد: «همچنین محل‌های کلونی موش‌ها نیز باید با استفاده از روش‌های مشخص، ضدعفونی شوند. کنترل مستمر ما در سطح شهر برای مهار جمعیت موش‌ها ادامه دارد، اما منابع اطلاعاتی و پشتیبانی ما دانشگاه‌های علوم پزشکی و انستیتو پاستور هستند.»

یادداشت

سیاست دریایی ایران در سایه اقتدار در تنگه هرمز

بارها گفته‌ایم «ایران کنشوری دریایی است» و اطلاق کشور نفتی به آن از روی غفلتی تاریخی در سطح سیاست‌گذاری کلان کشور بوده است. دریای فرصت‌ها را وانهاده و مهر بر خشک رانده‌ایم. اراده سیاسی باید بر توسعه تمرکز کرد. دولت باید به‌مناباه توسعه کشور تدبیر کند.

در سیاست‌گذاری کلان، دولت باید با شناسایی ظرفیت‌های اصلی توسعه و توانمندی‌های داخلی و ملاحظات آمایش سرزمین، بر دو یا سه مزیت محوری تمرکز کرده و «دومینوی توسعه» را بر آن استوار کند. یعنی یک حوزه موتور محرکهٔ دیگر حوزه‌ها باشد و دولت امکانات و منابع محدود خود را بر آن متمرکز کند و از پراکنده‌کردن منابع خود و سیاست توزیع بودجه فطره‌چگانی به کشورهای پرشمار از حوزه‌های سیاستی اجتناب ورزد. این تصور که دولت می‌تواند همه کار را با هم انجام دهد، در سیاست‌های توسعه اشتباه است، بلکه باید با انتخاب چند حوزه محدود و بی‌ریزی یک نظام سلسله‌مراتبی براساس آن توسعه را به پیش ببرد. وجود سواحل گسترده در جنوب و شمال کشور و ظرفیت بزرگ و دست‌نخورده آن، تعیین‌کننده اولویت سیاست دریایی کشور است. خوشبختانه اسناد توسعه‌های در‌این‌باره غنی بوده و حتی تا سطح تعریف پروژه‌ها هم انجام شده است، اما مهم امر حکمرانی و اراده سیاسی و تمرکز حکومت بر این حوزه به صورت انحصاری است. پیش از این بارها در دولت‌های گذشته تأکید کرده‌ام که اهمیت توسعه دریایی آنچنان است که ایجاب می‌کند رئیس‌جمهور ایام درخرو توجهی را در جنوب کشور و در منطقه مکران مستقر شود تا توسعه دریایی را مستقیماً هدایت کند. به قول صائب «حساب موج دریا را بیابانی [خیابانی] چه می‌داند».

مشکل اساسی در سیاست دریایی ایران مسئله «اداره»، حکمرانی (governance) و قدرت است. اعمال اقتدار جدید ایران بر تنگه هرمز اقدامات و فرصت‌های زیر را برای اعمال حکمرانی به صدر توجهات می‌آورد:

- تشکیل وزارت امور دریایی که بتواند موضوعات مرتبط با امور دریایی را در عمیق‌ترین سطح سیاست‌گذاری نمایندگی کند. تصمیم‌گیری‌های غیرمتمرکز و ناپایمان توانسته است هماهنگی لازم را بین چندین وزارتخانه کشور که در سطح معاونت در امور دریایی حضور دارند، پدید آورد.
- تأمین مالی توسعه دریایی نیازمند برنامه‌های بلندپروازانه است. تضمین سرمایه‌های ایرانیان در صنایع دریایی و نیز توسعه همکاری با کشورهای که تجربه، پیشینه و شبکه‌های بین‌المللی دریایی دارند، گام مهمی است. بازتعریف نظام اعتبارات کشور باید در همین راستا شکل گیرد.
- توسعه صنایع دریایی که شامل ساخت و تولید شناورهای گوناگون، صنایع فراساحل، سوخت‌رسانی، تأسیسات دریایی، تعمیرات، نجات و قراضه‌پردازی کشتی، صنایع دفاعی، حمل‌ونقل و ترانزیت دریایی، شیلات، گردشگری، توسعه بیمانکاری‌ها، بیمه، استاندارد و گواهینامه، تحقیقات و… است. علاوه بر این، فعال‌شدن این امور صنایع دیگری را در داخل کشور فعال می‌کند: خدمات بندری، خدمات تجارت دریایی، صنعت فولاد، حمل‌ونقل زمینی و بسیاری دیگر از این شمار است.
- توسعه پسرکرانه مدنی و شهرسازی دریایی: سیاست دریایی ایران موج عظیمی از مردم را در توسعه فعال خواهد کرد. دولت باید بتواند زمینه مهاجرت بزرگ سیاسی-اقتصادی-اجتماعی را به سوی دریا فراهم کند.

گزارش «شرق» از خروج درختان شکسته جنگل‌های شمال ایران در بعبوحه جنگ و افزایش نگرانی‌ها درباره قاچاق چوب

زخم تازه بر تن هیرکانی



عکس:مدیر بهره‌برداری ایستنا

سازمان منابع طبیعی را زیر سؤال می‌برد. چرا نمی‌روند از عمق جنگل درختان شکسته را خارج کنند؟ مگر به ادعای خودشان این درختان عامل آفت و آتش‌سوزی نیستند؟.

پشت پرده چیست؟

بسیاری از مخالفان جمع‌آوری و خروج درختان شکسته و افتاده جنگلی معتقدند بای بهره‌برداران چوب و سود مالی آنها در میان است و سازمان منابع طبیعی هم خواسته یا ناخواسته در زمین آنها در حال بازی است. رضا اخوان، عضو هیئت‌علمی مؤسسه تحقیقات جنگل هم اطمینان می‌دهد پشت اجرای عملیات برداشت درختان شکسته و افتاده، اهداف اقتصادی وجود دارد. او با بیان اینکه سازمان منابع طبیعی، هیچ آماری از مقدار چوب‌های افتاده جنگل ندارد، تأکید می‌کند: «اگر آمار داشتند باید در طرح مدیریت پایدار جنگل اشاره می‌کردند که از ۵۰۰ میلیون مترمکعب درختان جنگل چقدرش شکسته و افتاده است؟ سازمان منابع طبیعی عددی در اختیار ندارد».

او در ادامه با طرح این پرسش که الگوی پراکنش چوب‌های شکسته و افتاده در جنگل به چه شکلی است، می‌گوید: «سازمان منابع طبیعی نمی‌داند این چوب‌های افتاده در کدام نقاط جنگل پراکنده و در کدام نقاط جمعی هستند؟ چرا این موضوع اهمیت دارد؟ چون از لحاظ اقتصادی برداشت درختان خشک پراکنده در جنگل صرفه اقتصادی ندارد و نمی‌توانند یک یا دو کیلومتر داخل جنگل حرکت کنند و فقط یک درخت را از دل جنگل بیرون بکشند، بلکه مجبورند نقاطی را پیدا کنند که چند درخت روی هم افتاده و تجمع درختان صورت گرفته باشد، در این حالت، برداشت صرفه اقتصادی دارد».

این پژوهشگر جنگل با اعلام اینکه طبق استانداردهای جنگل شش درجه یوسیدگی برای درختان شکسته و افتاده داریم که فقط درجه‌های یک و دو ارزش اقتصادی برای برداشت دارند، تأکید می‌کند سازمان منابع طبیعی در این زمینه هم آماری ندارد که از ۱۰ درصد موجودی مورد نیاز درختان خشک برای حیات جنگل، چند درصدش در درجه یک و دو یوسیدگی هستند و این درختان در کجای جنگل پراکنده شده‌اند؟ چون هنوز در این زمینه مطالعاتی انجام نشده است. باید مقدار درختان شکسته و افتاده در جنگل مشخص شود، از این مقدار ۱۰ درصدش باید در جنگل باقی بماند، سپس باید تعداد درختانی که در درجه یک و دو یوسیدگی هستند، مشخص شود. در این‌صورت آنها‌یی را که تجمع کرده‌اند، می‌توان از جنگل خارج کرد. سازمان منابع طبیعی باید اول آمار درختان شکسته و افتاده را در سطح جنگل مشخص کند، وقتی آمار و درصد یوسیدگی وجود ندارد، این کار می‌شود کار باری به هر جهت و این دیگر طرح نیست.

خوشامد به قاچاقچیان چوب

در این‌میان واکنش دادستان مرکز استان مازندران و تأکید او بر ضرورت برداشت درختان شکسته و افتاده جنگل‌های هیرکانی، انتقاد فعالان محیط زیست را به دنبال داشته است. علی‌اکبر علیشاه، دادستان مرکز استان مازندران، در هفته ابتدایی اردیبهشت در جلسه‌ای در حضور مدیران سازمان منابع طبیعی با بیان اینکه قصد صیانت از انزال دارد، وجود درختان شکسته در جنگل هیرکانی را از عوامل تحریک‌کننده قاچاقچیان دانست و بر ضرورت جمع‌آوری این درختان تأکید کرد. این سخن در حالی از سوی او مطرح می‌شود که تحقیقات علوم و موجدات متفید است. پس بوده و برعکس دادستان مازندران، برداشت درختان شکسته و افتاده را فرصتی برای قاچاقچیان چوب و بهره‌برداران غیرقانونی می‌داند. در این زمینه رضا اخوان، پژوهشگر ارشد جنگل، نظر دیگری دارد، او معتقد است: «در کشوری که وضع اقتصادی طبیعی نیست، طرح برداشت درختان شکسته و افتاده موجب هجوم بهره‌برداران چوب به جنگل خواهد شد. اگر یک نفر از جنگل چوب خارج کند، خیل آدم‌ها و بهره‌برداران چوب صف می‌کشند که آنها هم از جنگل برداشت کنند، حالا می‌خواهد درخت شکسته و افتاده باشد یا درخت زنده و سبز یا در این موقعیت هدای با تولید عمدی درختان شکسته و افتاده، مسیر را برای خارج‌کردن درختان فراهم می‌کند و این یعنی قاچاق چوب. اگر سازمان منابع طبیعی یک بار درختش از جنگل خارج کند، بهره‌برداران محلی دست به خشک‌کردن عمدی درختان می‌زنند تا به اسم درخت خشک‌شده، درختان زنده را هم برداشت کنند».

ردبای روشن قاچاق چوب

هادی کیادلیسری، رئیس گروه جنگل در دانشگاه علوم و تحقیقات هم نظرش در تضاد با دادستان مازندران است. او با تأکید بر اینکه اغلب قاچاقچ چوب در حضور مأمور منابع طبیعی انجام می‌شود، می‌گوید: «اگر می‌خواهند جلوی قاچاق را بگیرند، باید جلوی بازار آن را بگیرند. بررسی بسیار سطحی و کلی، ناظران را به کارگاه‌ها و کارخانه‌های قاچاق چوب هدایت می‌کند. با کمترین بررسی می‌توانند بفهمند کدام کارگاه چوب‌بری در حال قاچاق درختان جنگلی است، بنابراین اگر قصد دارند جلوی قاچاق چوب را بگیرند، کارگاه و کارخانه تولید چوب را

کنترل کنند؛ البته با نظارت واقعی». این کارشناس جنگل به نقش جاده‌های جنگلی در قاچاق چوب اشاره می‌کند و می‌گوید: «حدود ۱۰ هزار هکتار جاده جنگلی برای بهره‌برداری از جنگل تأسیس شده است. برای کنترل قاچاق چوب جنگلی، باید بسیاری از این مسیرهای جنگلی مسدود شود، چراکه اینها هیچ تأثیری در حفاظت از جنگل نداشته، بلکه موجب توسعه خوش‌نیشینی و تفرج بی‌قاعده در محدوده‌های جنگلی شده است». او با انتقاد شدید از این ادعا که درختان شکسته و افتاده موجب قاچاق چوب می‌شود تأکید می‌کند: «وقتی ۳۰۰ درخت شمشاد در نقطه‌ای قطع می‌شود، یعنی ۳۰۰ بار آره موتور در آن نقطه روشن شده، درحالی‌که کسی در کنار جاده جنگلی نبوده که قطع این تعداد درخت را ببیند یا صدای آن را بشنود؟ بعد این درختان بریده‌شده به کارخانه چوب‌بری منتقل شده‌اند؛ این‌هم در حضور مأمور منابع طبیعی و در سایه نبود نظارت واقعی».

خطای فنی سازمان منابع طبیعی

در مجموع سازمان منابع طبیعی با تکیه بر ماده ۳۶ قانون هفتم توسعه قصد دارد درختان شکسته و افتاده را از جنگل خارج کند اما هادی کیادلیری، کارشناس جنگل و استاد دانشکده منابع طبیعی دانشگاه علوم و تحقیقات، با تأکید بر اینکه قانون در قالب مباحث فنی معنا پیدا می‌کند، می‌گوید: «قانون اجازه برداشت درختان شکسته و افتاده را می‌دهد اما در شرایطی که به لحاظ فنی، برداشت درختان شکسته و افتاده قابل تأیید باشد و از منظر فنی به قطعیت برسند که این کار به نفع جنگل است. اما نکته همین است که برداشت درختان شکسته به لحاظ فنی کاملاً اشتباه است». کیادلیری با تأکید بر اینکه برداشت درختان شکسته و افتاده طرح نیست، بلکه عملیات است، ادامه می‌دهد: «براساس ماده ۳۶ قانون برنامه توسعه هفتم، باید طبق «طرح» در جنگل دخالت کنید، اجازه ندارید در جنگل هیچ‌گونه دخالتی داشته باشید، مگر اینکه طرح داشته باشید، اینکه در سازمان منابع طبیعی ادعا می‌کنند طرح برداشت درختان شکسته و افتاده دارند، درست نیست؛ چون اصلاً طرحی در میان نیست. آنچه درباره آن حرف می‌زنند «عملیات» اجرای برداشت و خروج درختان شکسته و افتاده جنگل است».

طبق ماده ۳۶ قانون برنامه هفتم توسعه، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور مکلف به حفظ، احیا و توسعه جنگل در چارچوب طرح مدیریت پایدار جنگل و جنگل‌داری نوین است و هرگونه بهره‌برداری چوبی از جنگل و برداشت درختان جنگلی ممنوع است. براساس این، هادی کیادلیری تأکید می‌کند طبق قانون، سازمان منابع طبیعی موظف است «طرح مدیریت پایدار» برای جنگل تهیه کند؛ طرحی که بر مبنای شاخص‌ها و محورهای پایداری باشد. در نتیجه نخست باید ثابت کند که طرح مدیریت پایدار جنگل تهیه شده است، بعد ثابت کند این طرح از لحاظ تخصصی و معیارهای مدیریت پایدار تأییدشده است. کام بعدی این است که در چارچوب این طرح کلی ببینیم آیا برداشت درختان شکسته و افتاده از جنگل درست است یا نه. مراحل طی و طرح مدیریت پایدار تهیه نشده است و عملیات برداشت درختان شکسته و افتاده، به اشتباه به عنوان «طرح» جا زده شده است.

نیبود جامع برای مدیریت پایدار جنگل و بی‌توجهی سازمان منابع طبیعی به دیدگاه‌های تخصصی، مورد انتقاد استاد جنگل دانشگاه علوم و تحقیقات است. او با بیان اینکه برای تصویب طرح مدیریت پایدار جنگل سازمان منابع طبیعی باید نظرات کارشناسان را جلب کند، می‌گوید هنوز طرح مدیریت پایدار جنگل ارائه نشده و سازمان محیط زیست، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع و تشکل‌های محیط زیست از وجود این طرح بی‌اطلاع‌اند. در نبود این طرح، برداشت درختان شکسته جنگلی پشتوانه علمی ندارد.

نگرانی از تبصره دو ماده ۳۶

تبصره دوم ماده ۳۶ قانون برنامه توسعه هفتم نیز موجب نگرانی شده است. براساس این تبصره، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور مکلف است طرح‌های زراعت چوب را در عرصه‌های جنگلی فاقد پوشش و مخروبه و بهره‌برداران از درخت‌کاری‌ها با هدف زراعت چوب از طریق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اجرا کند. این تبصره را برخی چراغ سبز سازمان منابع طبیعی به جنگل‌خواران می‌دانند. در این زمینه هادی کیادلیری، کارشناس جنگل و معاون سازمان محیط زیست، با تأکید بر اینکه بدتر از تبصره یک تبصره دو ماده ۳۶ قانون برنامه توسعه هفتم است، می‌گوید: «چند ماه پیش سازمان منابع طبیعی به اداره‌های کل استان‌ها طی نامه‌ای دستور داد که در عرصه‌های جنگلی، صنوبر و اکالیپتوس بکارند. این تصمیم با عقل جور در نمی‌آید که در عرصه جنگلی گونه غیرجنگلی کاشته شود و بدتر اینکه آن عرصه را دست بخش خصوصی بدهند. واقعیت این است که زراعت چوب در عرصه‌های جنگلی دقیقاً به معنای جنگل‌خواری و زمین‌خواری است. در عرصه‌های جنگلی فاقد پوشش باید احبای گونه‌های جنگلی انجام شود».

سلامت

آخرین وضعیت ابتلا به «هانتاویروس»

ایستنا: سازمان جهانی بهداشت (WHO) روز جمعه اعلام کرد خطر ابتلای عمومی به سویه کشنده هانتاویروس که شیوع آن در یک کشتی تفریحی در اقیانوس اطلس خبرساز شد، در حال حاضر بسیار کم است؛ چراکه این ویروس فقط از طریق «تماس بسیار نزدیک» منتقل می‌شود. «کریستین لیندمیر»، سخنگوی سازمان جهانی بهداشت، در یک نشست خبری در ژنو گفت: «این یک ویروس خطرناک است، اما فقط برای فردی که واقعاً آلوده شده و خطر آن برای عموم مردم کاملاً پایین است. حتی افرادی که در کشتی «ام‌وی هوندیوس» در یک کابین با فرد آلوده اقامت داشته‌اند، به نظر نمی‌رسد همگی آلوده شده باشند».

او با تأکید بر اینکه درباره هانتاویروس به نظر نمی‌رسد نزدیکی نسبی به کسی که سرفه می‌کند یا ابتلا کافی باشد، گفت: «شما اساساً باید رودرویی هم باشید و از طریق بزاق قابل انتقال است و مثلاً تفکردن می‌تواند مشکل‌ساز باشد». در تاریخ دوم می ۲۰۲۶ (حدود یک هفته پیش)، ابتلای گروهی از مسافران یک کشتی کروز به بیماری تنفسی شدید به سازمان جهانی بهداشت گزارش شد. در آن زمان، طبق گفته اپراتور کشتی، ۱۴۷ مسافر و خدمه در کشتی بودند و ۳۴ مسافر و خدمه قبلاً از کشتی پیاده شده بودند. از زمان آخرین اخبار شیوع بیماری که در چهارم می منتشر شد، سه مورد مشکوک تأیید و یک مورد تأییدشده دیگر گزارش شد. تا هشتم می نیز در مجموع هشت مورد تحت ارزیابی ازجمله سه مورد مرگ (نسبت مرگ‌ومیر ۳۸ درصد) گزارش شده است. شش مورد به‌عنوان عفونت هانتاویروس به‌صورت آزمایشگاهی تأیید شده‌اند که همگی از نوع ویروس «آند» (ANDV) شناسایی شده‌اند.

از زمان انتشار این اخبار درباره شیوع عفونت در کشتی کروز، دو پرواز ویژه تخیله پزشکی حامل دو بیمار تأییدشده علامت‌دار و یک مورد مشکوک قبلی در تاریخ‌های ششم و هفتم می در هلند فرود آمدند. چهار بیمار در حال حاضر در بیمارستان بستری هستند؛ یکی در بخش مراقبت‌های ویژه در ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی، دو نفر در بیمارستان‌های مختلف در هلند و دیگری در زوریخ در سوئیس. مورد مشکوک قبلی نیز مستقیماً به آلمان منتقل شد؛ جایی که مورد آزمایش قرار گرفت و هر دو آزمایش PCR و سرولوژی برای ویروس آند منفی بود و بنابراین دیگر به بیرون کشی مورد در نظر گرفته نمی‌شود. همچنین دریایی تماس مسافراتی که در «سنت هلن» پیاده شدند، در حال انجام است. با مسافران تماس گرفته و به آنها توصیه شده است علامت خود را کنترل کنند. علاوه بر این، با مسافراتی که با همان پرواز از سنت هلن به آفریقای جنوبی سفر کرده بودند و یکی از موارد ابتلا که متعاقباً تأیید شد، در آنجا حضور داشت، تماس گرفته شده است. هانتاویروس‌های یافت‌شده در اروپا و آسیا به‌ عنوان عامل تب خون‌ریزی‌دهنده با سندرم کلیوی (HFRS) شناخته می‌شوند که در درجه اول کلیه‌ها و رگ‌های خونی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. انتقال انسان به انسان در این بخش از جهان ثبت نشده است. عفونت هانتاویروس انسانی در درجه اول از طریق تماس با ادار، مدفوع یا بزاق چوندگان آلوده یا لمس سطوح آلوده به دست می‌آید. مواجهه معمولاً در طول فعالیت‌هایی مانند تمیزکردن ساختمان‌های دارای آلودگی چوندگان رخ می‌دهد؛ اگرچه ممکن است در طول فعالیت‌های معمول در مناطق بسیار آلوده نیز رخ دهد. موارد انسانی بیشتر در محیط‌های روستایی مانند جنگل‌ها، مزارع و کشتزارها گزارش می‌شوند؛ جایی که چوندگان وجود دارند و فرصت‌های بیشتری برای مواجهه با آنها وجود دارد. HPS با سردرد، سرگیجه، لرز، تب، درد عضلانی و علائم گوارشی مانند حالت تهوع، استفراغ، اسهال و درد شکم و به دنبال آن شروع ناگهانی دیدسترس تنفسی علامت HPS معمولاً با یک تا شش هفته پس از مواجهه اولیه با ویروس بروز می‌کنند؛ باین‌حال، علائم ممکن است از یک هفته تا هشت هفته پس از مواجهه ظاهر شوند.